این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

ایام باقیمانده از ماه شعبان را خیلی غنیمت بشمارید

آیت‌الله فاطمی‌نیا:
این ایام باقیمانده از ماه شعبان را خیلی غنیمت بشمارید؛ این روزها بسیار حساس است و باید قدر بدانیم، سعی کنیم با آمادگی کامل وارد ماه رمضان، ماه مهمانی خدا شویم!
حدیثی از امام رضا(ع) وارد شده است که بسیار پر اسرار است و حساسیت ماه شعبان را نشان می‌دهد. کسی در ماه شعبان خدمت امام رضا(ع) شرفیاب شد و از حضرت تقاضای عملی را کرد که در ماه شعبان انجام دهد. حضرت به آن شخص فرمودند: «در ماه شعبان به خدا عرضه دار و بگو خدایا اگر در این روزهای گذشته از شعبان مرا نیامرزیده‌ای، در روزهای باقیمانده از آن بیامرز.»
در این ایام باقیمانده خیلی چیزها می‌توان کسب کرد!
منبع: کانال رسمی «آیت‌الله فاطمی‌نیا» در تلگرام

احتمال کمبود تمرکز و بیش‌فعالی به ازای هر یک ساعت کار کودک با گوشی

رضا محمد، دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، در توئیتی نوشت: طبق تحقیقات، به ازای هر یک ساعتی که کودکان شما در روز با گوشی‌های هوشمند و تلویزیون در ارتباط هستند، ۱۰ درصد احتمال ابتلای فرزندتان به کمبود تمرکز و بیش‌فعالی بالا می‌رود.

صف مرغ، کرونا نداره؟

محمد فراهانی در توئیتی نوشت: قبل از نوروز، مردم کاملاً آمادگی سفر نکردن و بسته بودن جاده‌ها را داشتند، اما جز چند شهر محدود، سفر به تمام نقاط کشور آزاد اعلام شد. حالا می‌گویند به‌علت مسافرت‌های نوروزی مردم، وارد پیک جدید شده‌ایم. ناتوانی در سیاستگذاری را گردن مردم نیندازیم. صف مرغ، کرونا نداره؟

با سبزترین باشگاه فوتبال جهان آشنا شوید

کانال تلگرامی «زیست‌بوم» نوشت: باشگاه انگلیسی فورست گرین روزر در این فصل برای نخستین بار از پیراهن‌هایی استفاده می‌کند که با باقیمانده‌های قهوه و پلاستیک بازیافت‌شده تولید شده‌اند. به گفته باشگاه این پیراهن‌ها سبک‌ترند، تنفس بهتر و دوام بیشتری از پیراهن‌های قبلی دارند که با گیاه بامبو درست شده بودند...

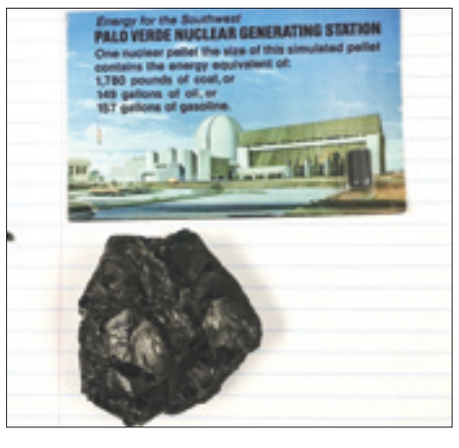

اورانیوم غنی شده مصداق بارز فلفل نبین چه ریزه است

مجید میرزایی در کانال تلگرامی خود با انتشار تصویر فوق نوشت: برای اینکه تصویر واضحی از انرژی هسته‌ای داشته باشید به این مقایسه دقت کنید. پایین تصویر یک تکه زغال سنگه و داخل اون کارت بالایی (پایین گوشه سمت راست کارت) یک پالت اورانیوم غنی شده است. همون تیکه کوچیک اورانیوم میتونه تقریباً اندازه ۹۰۰ کیلوگرم زغال سنگ و اندازه ۶۰۰ لیتر نفت و اندازه ۶۲۰ لیتر گازوئیل انرژی تولید کنه. اورانیوم غنی شده مصداق بارز فلفل نبین چه ریزه است.

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به اخبار منتشر شده درباره احتمال مذاکره غیرمستقیم ایران و امریکا

هر گونه مذاکره مستقیم یا غیر مستقیم ایران و امریکا خیانت به منافع ملی است

انتشار اخباری مبنی بر احتمال مذاکره ایران و امریکا در حاشیه نشست وین هر چند با تکذیب عباس عراقچی همراه بود اما موجی از واکنش‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی را به همراه داشت. کاربران به خصوص با موضع‌گیری‌های اخیر علی‌اکبر صالحی نگرانی داشتند که حرف قطعی رهبر انقلاب که تأمین‌کننده واقعی منافع کشور ایران است بر زمین مانده و باز کشور معطل وعده وعیدهای امریکایی‌ها شود. برخی کارشناسان نیز تحلیل کردند این حرف و حدیث‌ها بیشتر بازی‌ای برای تأثیر بر انتخابات پیش‌روی ایران است. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را می‌خوانید.

سیدمحمد هادی سبحانیان:
میان تعهدات برجامی ایران با امریکا تفاوت ماهوی وجود دارد. امریکا حتی درصورت اقدام به رفع تحریم‌ها روی کاغذ، ابزارهای متعددی دارد که می‌تواند مانع بهره‌مندی حقیقی اقتصاد ایران از ناحیه رفع تحریم‌ها شود. لذا راستی‌آزمایی اقدامات طرف مقابل، قبل از هر اقدامی از سوی ایران ضرورت دارد.

احمد بنافی:
هر وقت آقای روحانی پای همه‌پرسی را به میان می‌کشد باید بدانید در حال تدارک برنامه‌ای است، منتها یک جایی به درِ بسته خورده است، حالا این مورد در کجا و در چه موردی بوده، به گمانم بی‌ارتباط با نشست مشترک اعضای برجام و حواشی آن نباشد. فقط باید گفت خدا به فریاد مردم برسد.

عرفان چروئی:
در برگشت گام‌به‌گام امریکا به برجام قطعاً بازنده ماییم مخصوصاً در این دولت و دستگاه دیپلماسی. زمزمه‌هایی از موافقت دولت هم شنیده میشه. یعنی عبور دوباره از خطوط قرمز رهبری! امیدواریم مجلس یازدهم نذاره دولت همچین خبطی کنه. برای احیای برجام تمام تحریم‌ها باید لغو بشه. #سیاست_قطعی

محمود صاحبی:
با توجه به تجربه برجام، کاملاً مشخصه که راضی شدن به لغو «صرفاً حقوقی» تحریم‌ها یا همون رفع «کاغذی» تحریم‌ها، کاملاً برخلاف منافع ملیه و دستاورد خاصی برای کشور نداره... یعنی اگه دولت روحانی این اشتباه رو «تکرار» کرد، مجدداً بخاطر انتخابات، منافع ملی را فدای منافع جناحش کرده!

سعید تواناراد:
یورونیوز مدعی شده ایران و امریکا بر سر مذاکره غیرمستقیم برای بازگشت دو جانبه به برجام به توافق رسیدند. این همون دوپینگ انتخاباتی هست که غربگرایان بر خلاف حرف قطعی کشور دنبال می‌کنند. مذاکره غیرمستقیم با امریکا همان دخالت خارجی امریکا در انتخابات ریاست جمهوری ایران است.

عبدالله گنجی:
معنی هرگونه مذاکره برجامی ایران-امریکا سوراخ کردن سقف تعهدات امریکا در برجام است. وقتی به جای اجرای تعهدات روشن، بر مذاکره اصرار دارند معنی‌اش این است که فشار جهانی بر خود (به دلیل عدم اجرای تعهدات) را بین ایران و خود تقسیم کنند. مذاکره یعنی مشروعیت دادن به عدم لغو تحریم با کمک ایران.

مرتضی سیمیاری:
مذاکره مجدد با امریکایی‌ها برای ایجاد یک نقشه راه بی‌فایده است. آنها حق بازگشت به میز کمیسیون مشترک در هیچ نقطه‌ای از دنیا را ندارند. بایدن تنها یک راه دارد: تحریم‌ها علیه ایران را برداشته و سپس برای بازگشت به برجام درخواست بدهد. دوران اقدامات گام به گام گذشته است.

علیرضا گرائی:
سی‌ان‌ان: راب مالی هدایت تیم امریکا در نشست کمیسیون مشترک برجام در وین را بر عهده خواهد داشت. امریکا عضو برجام نیست و هرگونه مذاکره مستقیم یا غیرمستقیم با آن کشور یا شرکت در کمیسیون با حضور نماینده امریکا قبل از لغو تحریم‌ها و راستی آزمایی خیانت است. قابل توجه غربزده‌ها!

امریکا راه در رو ندارد

محمد ایمانی روزنامه‌نگار، در کانال تلگرامی خود در خصوص گمانه‌زنی‌های اخیر پیرامون مذاکرات و گفت‌وگوهای برجامی و راهبردهای امریکا در ادامه راه مواجهه با برجام نوشت: امریکا در ماجرای توافق برجام، خیانت و عهدشکنی کرد. در دنیا در این‌باره اتفاق نظر وجود دارد اما در کنار این واقعیت، حقیقت مهمی وجود دارد که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.
رژیم امریکا در نظم جهانی غالباً هر وقت اراده کرده، تعهداتش را زیر پا گذاشته است و هر وقت هم میلش کشیده، غالباً بدون پرداخت هزینه توافق، طلبکار دیگران شده است. این رفتار مستکبرانه بارها در سازمان ملل و شورای امنیت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و... اتفاق افتاده است.
دولت امریکا، چه زمانی که در کنار دادن برخی معافیت‌های تحریمی محدود و چند ماهه، کشورها را از همکاری اقتصادی پایدار با ایران بر حذر داشت و چه زمانی که رسماً اعلام کرد از برجام خارج می‌شود، به توافق پایبند نبود. ظرف این پنج سال، تحریم‌هایی که باید متوقف می‌شد، چند برابر شد!
ایران به مدت پنج سال، این بی‌چشم و رویی را تحمل کرد، اما از اوایل سال گذشته، سیاست صبر و انتظار تغییر کرد. از میانه سال، با هماهنگی مجلس و شورای عالی امنیت ملی، اتخاذ اقدامات بازدارنده متقابل در دستور کار قرار گرفت.
سر فصل این راهبرد، نگه داشتن رژیم بدعهد امریکا پشت درِ برجام و نشست‌های مشترک اعضای آن (مانند نشست امروز) است. ایران بر اساس عبرت‌های پنج‌ساله تأکید کرده است امریکا بدون برداشتن تحریم‌های مالی، بانکی و نفتی (آن هم به شکل راستی آزمایی شده و قابل اعتماد)، حق بازگشت مجدد به برجام را ندارد.
جانمایی تحقیرآمیز امریکا به این شکل که نتیجه خباثت‌های دولت‌های اوباما، ترامپ -و بایدن در چند ماه گذشته- است، در تاریخ امریکا کم‌سابقه است.
دولت بایدن دو راه بیشتر ندارد: به مسیر بدعهدی و زورگویی دو دولت قبلی ادامه دهد و عرصه را در دنیا به‌عنوان دولتی غیرقابل اعتماد، بر خود تنگ کند یا سرشکستگی را به جان بخرد و به تعهداتش برگردد.
مقاومت ملت ایران، با رویکرد جدید در حال جواب دادن است و اگر کسانی بخواهند از داخل، در این راهبرد حکیمانه خلل وارد کنند، به دشمن خدمت کرده‌اند. خیانت این است که کسی بخواهد اعلام بازگشت امریکا به توافق (بدون برداشتن تحریم‌ها) را برای ملت ایران فاکتور یا رفتارهای تاکتیکی امریکا را توجیه کند.
چارچوب منطقی مطالبه ایران روشن است: امریکا باید تحریم‌های مالی، بانکی و نفتی را لغو کند و این موضوع راستی آزمایی شود. تنها در این صورت است که ایران هم به انجام همه تعهدات برمی‌گردد.
آزمون صداقت دولت امریکا به این است که بدون بهانه‌جویی و مقدمه تراشی، به تعهدات نقض شده خود بازگردد. ادعای مذاکره دوباره درباره برجام (!)، رفتارهای نمایشی و سمبلیک یا ادعای واگذاری مشوق (؟!) بدون لغو تحریم‌ها، هیچ‌کدام پذیرفتنی نیست.

واشنگتن دنبال احیای مذاکره است، نه احیای برجام

سیدیاسر جبرائیلی نوشت: وال استریت ژورنال و چند منبع دیگر ادعا کرده‌اند در نشست هفته آینده کمیسیون مشترک برجام که در وین برگزار می‌شود، بناست تیم امریکا نیز بدون مذاکره مستقیم با تیم ایرانی حضور یابد.
چند روز پیش وزارت خارجه فرانسه گفته بود به دنبال یک جایگزین برای مذاکره مستقیم واشنگتن- تهران هستند و ظاهراً این ایده مضحک مذاکره نیابتی را یافته‌اند. مگر دو تا بچه با هم قهر کرده‌اند که هر دو در جلسه مشترک حاضر شوند اما با هم سخن نگویند؟ مثلاً قرار است امریکا اگر حرفی دارد به بغل‌دستی بگوید و او آن را به ایران منتقل کند و بالعکس؟ مگر مسئله ایران، اینهاست؟ امیدواریم تیم ایرانی زیر بار این طراحی مضحک که هدفی جز احیای مذاکرات برای طرح خواسته‌های فرابرجامی امریکا ندارد، نرفته باشد. دولت جدید امریکا نشان داده است به دنبال احیای برجام نیست، بلکه به دنبال احیای مذاکراتی است که شیرینی امتیاز گرفتن و امتیاز ندادن‌هایش را نمی‌تواند فراموش کند.
امریکا برای خروج از برجام با کسی مذاکره مستقیم یا نیابتی نکرد که امروز برای بازگشتش به برجام نیازی به مذاکره باشد. تعهدات طرفین در برجام روشن است و سیاست قطعی نظام جمهوری اسلامی ایران توسط رهبر حکیم انقلاب اسلامی بیان شده است: امریکا باید تحریم‌ها را بردارد. سپس ایران برداشته شدن تحریم‌ها را راستی آزمایی خواهد کرد و در صورت تأیید، اجرای تعهدات هسته‌ای را از سر خواهد گرفت.
این راهبرد، کاملاً منطقی و عقلانی است. دولت ایران در دوره برجام به طرف امریکایی اعتماد و همه تعهدات هسته‌ای خود را اجرا کرد، سپس آژانس انجام این تعهدات را راستی‌آزمایی کرد و بناشد غربی‌ها تحریم‌های خود را بردارند که در عمل برنداشتند و به تعبیر معروف رئیس کل وقت بانک مرکزی آنچه عاید ایران شد، «تقریبا هیچ» بود. نباید فراموش کنیم نفتی که ایران در دوره برجام فروخت، پولش در مقصد بلوکه شد و آقای زنگنه اخیراً به این فاجعه عظیم اعتراف کرد و گفت پس از برجام پول نفت بازمی‌گردد: «در این دوره (پس از خروج امریکا از برجام) ما طلبی نداریم و طلب‌ها برای دوره پیش از تحریم‌هاست (یعنی پیش از خروج امریکا از برجام)، زیرا آنها در سیستم‌های رسمی بوده و باقی‌مانده است.»
نباید این تجربه غلط بار دیگر تکرار شود. امریکا از برجام خارج شده و ایران پس از یک سال فرصت به طرف‌های دیگر برجام برای جبران خروج امریکا، کاهش تعهدات هسته‌ای‌اش را آغاز کرده است. نباید فراموش کنیم که اروپایی‌ها یک سال ایران را با SPV و اینستکس و... سر کار گذاشتند. هر کسی که در عمرش یک معامله عادی هم کرده باشد، می‌داند که چگونه باید از چنین طرف‌های معامله‌ای حق خود را بگیرد یا حداقل در معاملات جدید پذیرای کلاه قبلی نباشد. مردم عزیز ایران بدانند هر مسیر دیگری جز راهی که رهبر انقلاب نشان دادند، منجر به برداشته شدن تحریم‌ها نخواهد شد و اگر امریکا این مسیر را نفی کند، بدون تردید در پی تشدید فشارها از کانال مذاکره و طرح مسائل جدید است.

هر یک از ما، چقدر آمادگی دارد که پاسدار حوزه‌ای از کشور خود باشد؟

شهرام حلاج در کانال تلگرامی «حلاج مناقصات» نوشت: مدتی قبل، استاد درس تفکر نقادانه به من گفت: من وظیفه خود را «تربیت پاسدار تفکر در کشور» می‌دانم و خیلی خوب است که خانم مهندس بهمانی هم برای خودش «وظیفه تربیت پاسدار منابع آبی کشور» را تعریف کند و تو هم مشخصاً وظیفه «تربیت پاسدار معاملات بخش عمومی» را برای خودت تعریف کنی چون تو پس از این همه سال پژوهش و کار روی این موضوع، اکنون مسئولیت داری و اگر این مسئولیت را بر دوش نگیری، جای پرسش و ایراد خواهد بود.
وقتی استادم این گونه گفت، هم از تذکر معنایی استاد تکانی دیگرباره خوردم و هم این اصطلاح «تربیت پاسدار معاملات عمومی» مرا به تأمل دیگرباره واداشت. توصیف یا ترکیب «تربیت پاسدار معاملات عمومی» ضرورت روحیه سلحشوری در رهروان این راه را بهتر و روشن‌تر بیان می‌کند. روحیه سلحشوری، همان «دلیری» یا «دالِ پنجم» است که در ترکیب «پنج دال»، ضرورت آن را طی تجارب زیسته در این دو دهه، رفته‌رفته کشف کرده‌ام. در عملِ و تجربه‌های زیسته دریافته‌ام که در کنار «دانش»، «دقت»، «درایت» و «دلسوزی»، حتماً، حتماً و حتماً «دلیری» هم لازم است. ضرورت این دلیری، محدود به دفاع نظامی نیست. در دفاع از بخش‌های دیگر کشور نیز دلیری بایسته و ضروری است؛ از جمله در پژوهش و پاسداری معاملات عمومی کشور.
چون به‌محض اینکه بخواهی در دایره امرار معاش پاکیزه باقی بمانی و نخواهی با گرفتن سهم بیشتر از کیک منافع عمومی، به بیراهه سازشکاری و تملق یا دره سکوت و سکون بیفتی، آنگاه بی‌گمان، بی‌گمان و بی‌گمان پنجه‌کشیدن‌های کسانی که سازمان‌ها یا انجمن‌های کشور را محل تقسیم غنایم تصور می‌کنند، آغاز خواهد شد. هر گاه رهرو وظیفه پاسداری‌اش را انجام دهد، غنیمت‌جویان متقابلاً دانش رهرو را انکار می‌کنند، دقتش را تحقیر می‌کنند، درایتش را ریشخند می‌کنند، دلسوزی‌اش را سرکوب می‌کنند و دست به ترور شخصیت رهرو می‌زنند. آنگاه، اگر رهرو دلیری نورزد و برچسب، تاخت‌وتاز و «ترور شخصیت» را تاب نیاورد، این خطر هست که رهرو نیز یا به بیراهه سازشکاری و سهم‌بَری برود یا در دره سکوت و انفعال فرو افتد. این روزها ضرورت «دال پنجم» یعنی دلیری، با روشنی بیشتری در پیش چشم همه پاسداران هر یک از حوزه‌های عمومی کشور، از جمله پاسداران معاملات بخش عمومی خودش را نشان می‌دهد.

چه چیزی باعث شد چین به توافق ۲۵ ساله ورود کند؟

عبدالرحیم انصاری در کانال تلگرامی «تحلیل گری سیاسی» نوشت: ببینید دوستان! فارغ از دغدغه‌هایی که ما داریم، چین هم ملاحظات خاص خودش را دارد؛ اینکه بگویند چین آمده بدوشد و برود صرفاً گمراه کردن مردم است؛ چین هم با توجه به نیازهایش وارد توافق ۲۵ ساله با جمهوری اسلامی شده است و می‌خواهد در ازای دادن امتیازهایی به امتیازهای دیگری متناسب با نیاز کشورش برسد و این چیزی نیست جز یک معامله بُرد -بُرد واقعی.
برای اینکه با نیازهای چین آشنا شویم، شما را به تنش‌های سال‌های اخیر این کشور با امریکا ارجاع می‌دهم که ایالات‌متحده پس از احساس خطر افول اقتصادی دست بر خطوط قرمز چین گذاشته که شاید مهم‌ترین آن دخالت در مسئله تایوان است که چین آن را بخشی از خاک خود می‌داند. در کنار اینها می‌شود به تحریم شرکت‌های چینی و کارشکنی‌های حقوق بشری هم اشاره کرد. قطعاً چین به‌عنوان یک ابرقدرت نمی‌تواند عبور از خطوط قرمزش توسط امریکا را تحمل کند، از این‌رو آنها نیز دست روی یکی از قرمزترین خطوط امریکا یعنی خاورمیانه گذاشته‌اند. بی‌شک دشمن اصلی امریکا در خاورمیانه ایران است و تقویت ایران به تضعیف امریکا کمک می‌کند. فارغ از مباحث اقتصادی، یکی از مهم‌ترین کارهایی که چین می‌تواند کند و در بندهای منتشر شده از توافق نیز آمده همکاری نظامی با ایران است. اشتباه نکنید! همکاری نظامی لزوماً پیاده کردن سرباز در ایران نیست. هر اقدامی [از جمله تأمین مالی و تسلیحاتی] که بتواند به محور مقاومت برای اخراج امریکا از خاورمیانه کمک کند، هم منطقه را نجات می‌دهد و هم‌دست امریکا را از یک منبع هنگفت انرژی کوتاه می‌سازد و این یعنی عقب ماندن ایالات‌متحده از چین در اقتصاد جهانی!
حال تصور کنید این سرمایه‌گذاری‌ها با تقویت و آبادسازی کشورهای جنگ‌زده‌ای مثل عراق، سوریه و افغانستان که تشنه آرامش و صلح هستند زمینه اتصال چین به مدیترانه و توسعه کشورهای در مسیر از جمله افغانستان، ایران، عراق، سوریه و حتی لبنان را نیز فراهم آورد. بی‌تردید برنامه‌ای وجود خواهد داشت که با پشتیبانی مخفی چین و آشکار ایران محور مقاومت فعال‌تر از گذشته امریکا را تحت فشار قرار خواهد داد و این احتمالاً یکی از بزرگ‌ترین اتحادسازی‌های جهان باشد که برای اولین بار به نفع صلح واقعی و نجات ملت‌ها شکل می‌گیرد.
سؤال مهم در این ماجرا این است که طراحی اولیه چنین برنامه‌ای در کدام اتاق فکر صورت گرفته است؟ من می‌گویم همان منطقی که روسیه را راضی کرد وارد جنگ سوریه شود این بار چین را متقاعد کرده است. حالا این را بگذارید کنار نامه‌ای که رهبری برای پوتین ارسال کردند تا متوجه شوید طرح جامع سیدعلی خامنه‌ای فازهای دیگری هم دارد!

تا حالا به توافق ۲۵ ساله از این زاویه نگاه کرده‌اید؟

عبدالرحیم انصاری در کانال تلگرامی خود نوشت: وقتی صحبت از اخراج امریکا از منطقه می‌شود، بسیاری توجه‌شان به‌سوی عراق، سوریه و خلیج‌فارس جلب می‌شود، اما وقتی قرار باشد با برنامه دشمن را تحت فشار قرار دهیم باید به سایر ظرفیت‌ها هم فکر کرد. شاید برایتان جالب باشد که چرا در آستانه توافق ۲۵ ساله ایران و چین، افغانستان یکباره با دستمایه قرار دادن هیرمند سعی می‌کند آب را گل‌آلود کند حال آنکه ایران در طول سال‌ها صادقانه‌ترین رفتارها را با برادران افغانستانی خود داشته است!
توافق ۲۵ ساله با چین می‌تواند استارت یک انقلاب اقتصادی، قطع دستان امریکا، بی‌اثر کردن تحریم‌ها و پایان دادن به آقایی دلار را بزند، اما فراتر از بحث اقتصاد سیاست را نیز دگرگون خواهد کرد! من فکر می‌کنم به موازات تحت‌فشار قرار گرفتن امریکا در ممالک جنوبی و غربی ایران، ایالات‌متحده به‌زودی در افغانستان نیز تحت‌فشار قرار خواهد گرفت تا جایی که مجبور شود این کشور جنگ‌زده را ترک کند. مطمئن باشید آبادانی افغانستان در گرو اخراج امریکایی است که همواره برای ماندن بیشتر و نظارت بر ایران، چین و روسیه، این کشور را بی‌ثبات می‌خواهد. افغانستان از شرق هم‌مرز با چین است و از غرب با ایران همسایه است. همسایگی‌اش با کشورهای اتمی چین، پاکستان، هند و روسیه فرصت مناسبی برای امریکا جهت نظارت و جاسوسی در کشورهای رقیب و قدرت‌های اتمی فراهم کرده است. اما مگر برادران افغان تا کی باید خون‌هایشان ریخته شود تا زیاده‌خواهی‌های امریکا به سرانجام برسد؟
اخراج امریکا از منطقه می‌تواند پای افغانستان را نیز به قرارداد طولانی مدت با چین باز کند و این کشور همسایه را به کریدوری بین دو قدرت بزرگ آسیایی یعنی ایران و چین بدل سازد. ایده‌ای که اگر محقق شود همسایه شرقی را از بی‌ثباتی و جنگ و خونریزی رها خواهد کرد و زمینه آبادانی آن را فراهم کرده و سبب سرمایه‌گذاری‌های گسترده در این کشور می‌شود. شاید حالا بهتر بتوان درک کرد چرا ایران هم با دولت افغانستان مذاکره دارد و هم با طالبان ارتباط می‌گیرد و تلاش می‌کند آنها را به یکدیگر نزدیک کند. اقدامی که همواره با موش دوانی امریکا با شکست مواجه می‌شود، زیرا بهترین شرایط برای امریکا دوقطبی بودن قدرت در افغانستان است تا این درگیری همواره وجود داشته باشد و با تشدید دشمنی‌ها، ماندن امریکا به بهانه تأمین امنیت فراهم شود. شخصاً به فعال شدن فاطمیون به‌عنوان یک بال قدرتمند و قابل اعتماد مقاومت در افغانستان برای فشار بر امریکا بسیار امیدوارم و تحلیل شخصی‌ام این است که قرارداد ۲۵ ساله هم تحریم را شکست می‌دهد و هم در اخراج امریکا نقش بسزایی ایفا خواهد کرد!